

زیر آسمان فیروزمای

مجادله احمد خاتمی و جنتی در باره کنسرت‌ها

● احمد خاتمی عضو شورای نگهبان و امام‌جمعه تهران در خطبه‌های اخیر نماز جمعه با انتقاد به برخی کنسرت‌ها بیان کرده است که در کنسرتی اصول شرعی زیر پا گذاشته شده‌است. این اظهارنظر آنتنان که احمد خاتمی گفته است با واکنش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روبه‌رو شده و جنتی از او خواسته تا بگوید در کدام کنسرت این اتفاق افتاده است. به گزارش فارس، خاتمی شامگاه پنجشنبه



در مراسم گرامیداشت یاد و خاطر امام‌خمینی(ره) و قیام ۱۵خرداد که در حسینییه سرآسیاب شهر کن برگزار شد، اظهار کرد: پس از خطبه‌های اخیر نمازجمعه تهران، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با من تماس گرفت و گفت که کجا کنسرت برگزار شده است که شما در خطبه‌های نماز جمعه تهران به آن پرداخته‌اید؟ و من پاسخ دادم یا در این کنسرت‌هایی که برگزار می‌شود زن‌های محجبه، هبانی‌ها یا سینه‌زنان حضور دارند؟ پیداست که در هر کنسرتی که وجود دارد، زنان بزک کرده همراه با آرایش و پسران همانند آن موج می‌زنند.

عضو مجلس خبرگان رهبری ادامه داد: وزیر ارشاد گفتند که به‌هرحال جامعه ما این است و من پاسخ دادم که ما حق نداریم بیت‌المال را خرج اینگونه مجلس‌ گناه کنیم. بنده کاری به موسیقی و این چیزها ندارم بلکه می‌گویم امکانات را باید در اختیار ترویج دین و ارزش‌ها قرار دهیم.

ادامه از صفحه ۷

«فرای» با «نازی»ها مبارزه کرد نه با ایران

✎ **خواستهای برای انتقال پیکرش به ایران را با شما مطرح کرده بود؟**

پس از ساخته زمین‌خوردن دکتر «ریچارد فرای» در اواخر دسامبر ۲۰۱۲ که ناشی از تراکم خون در مغز یا سکنه مغزی بود، انتظار درگذشت او می‌رفت؛ در بیمارستان «ماونت آبن» نزدیک دانشگاه هاروارد در «کیمبریج» که دکتر «فرای» در آنجا بستری بود، من، پسر دکتر فرای تلز؛ و همسر ایشان روزانه به دیدار وی می‌رفتم و گاهی با دیگر خویشاوندان، «فرای» تقریبا هشت‌سال پیش دچار سکنه مغزی شده بود. این بار هم وقتی به من گفت سکنه مغزی کردم از لحن او حس می‌شد همان علایم را تجربه کرده ام. بیمارستان آن را فقط تراکم مقداری خون در مغز تشخیص داد.

دو، سه هفته پیش از درگذشت او، همسر ایشان با من تماس گرفت و درخواست کرد که ترتیب خاکسپاری وی را در یزد بدهم. آنگاه گوسنی را به خود وی داد. با اینکه به سختی می‌توانست، خود را واداشت واضح صحبت کند. مثل گفت‌وگو در هفته‌های گذشته از من پرسید آیا آن خانه مناسب ایران‌شناسان را که دنبالش بودم، یاقتم؟ پاسخی که داشتم مایوس‌کننده بود اما با سوالش به ذهن من خطور کرد که می‌خواست در آن خانه چشم از جهان فرو بندد. از من قول گرفت که کتاب «جفرسون و کوروش» را چاپ کنم. خواست بروم برادرش را ببینم. خبرهای اصفهان وی را ملتهب کرده بود زیرا لحنش مانند چند سال پیش بود که داشتیم برنامه سفر به اصفهان را ترتیب می‌دادیم. وی گفت که دوباره خبر رسیده در اصفهان با خاکسپاری‌اش مخالفت شده. از من خواست که برایش ترتیب خاکسپاری در یزد را بدهم. این وقایع از عشق او به ایران نکاسته بود. ایران را دوست می‌داشت و هنوز آرزویش آرامیدن در ایران بود. آن وقت بحث و کشمکش با مخالفان در اصفهان نبود، با یکی از دوستان یزدی‌ام، جمشید وزرا، تماس گرفتم و موضوع را مطرح کردم. با دو نفر از دوستان ایرانی در اینجا که در امور سیاسی و تاریخ معاصر هستند موضوع را در میان گذاشتم. اظهارات مفیدی کردند. یکی از ایشان مرا مطلع کرد که در برخی رسانه‌های تندروی ایرانی، عکس «ریچارد فرای» و دیگر ایران‌شناسان را انداخته و به آنان لقب «جاسوس» داده‌اند. دوست دیگر پیشنهاد کرد که می‌توان «ریچارد فرای» را در آرامگاه مسیحیان در تهران خاک کرد. در این حین جمشید با کمک همسرش با مسوولان در ایران تماس گرفته بود. چند روز بعد مکان مناسبی در یزد برای «ریچارد فرای» فراهم کرده بودند.

با گذشت کمتر از دو هفته «ریچارد فرای» دچار درد بیشتری شد. وی در روز ۲۶مارس ۲۰۱۴ وارد آگما» شد و دیگر به هوش نیامد. «ریچارد فرای» ظهر روز بعد در گذشت. به دوستان و محققان و ایران‌شناسان نزدیک این خبر تاسف‌انگیز را رسانیدم. یکی از دوستان ایران‌شناس، لطف کرد و مرا با یکی از آشنایان که سالیانی از دیدنش گذشته بود و با مسوولان دولت در تماس بود در تماس گذاشت تا ترتیب انتقال به ایران و خاکسپاری داده شود. ورفای رسمی برای خاکسپاری «فرای» در ایران لازم بود. ختم «ریچارد فرای» چند روز بعد در شهر «واتر تاون»، مجاور کیمبریج برگزار شد و مجلس سوگوازی روز بعد در هاروارد. پیکر او در سردخانه محل بر گزاری ترحیم منتظر است. بیشتر اعضای خانواده «ریچارد فرای» موافق با خاکسپاری در ایران چه در اصفهان، شیراز یا یزد هستند.

فیلم افسونگر

لوموند /برگردان: سجاد فیروزی

سال ۱۹۷۱، فیلم گاو، اثری از داریوش مهرجویی در «موسترای ونیز» بدون هیچ گونه زیرنویسی به نمایش درآمد. در آن زمان، سینمای ایران برای جهانیان شناخته‌شده نبود و ظهور و نمایش این فیلم عجیب که گاهی توالی آثار پیکارسک و توهم‌زا را از درون انعکاس می‌داد، پرسش‌های متداولی را در ذهن برانگیخت. در واقع نمایش این فیلم بیش از آنکه اشتیاق‌برانگیز باشد، سوال‌برانگیز بود.

امروزه سینمای ایران برای خودش به تنهایی تبدیل به یک دنیا شده است؛ از درام‌های شهری فرهادی گرفته تا ملامت شاعرانه کیارستمی و البته سینمای سیاسی پناهی و رسول‌اف. با این‌س حال «گاو» که بالاخره در سینماهای فرانسه با زیرنویس پخش شد، ماهیتش را از دست نداده این فیلم نه‌تنها قدرت افسونگریش را از دست نداده بلکه به همان اندازه مرموز و پیچیده هم است.

ماجرای فیلم در روستایی رخ می‌دهد که میان تپه‌های خشک گم شده است. مردی تنها به نام «مشدی‌حسن» گاوی دارد و آنقدر حیوانش را دوست دارد که تیمارهای سخاوتمندانه‌ای به او می‌دهد؛ تیمارهایی که هیچ‌کدام از افراد روستا به زندگی‌شان به چشم ندیده‌اند مگر غیر از شب زفاف و هنگام ازدواجشان! با این حال روزی حسن از خانه دور می‌شود و حیوان به خاطر بیماری تلف می‌شود. اهالی روستا با سنجیدن فاجعهای که در انتظارشان است لاشه گاو را پنهان می‌کنند و تلاش می‌کنند تا به صاحبش بفهماند حیوان فرار کرده است. صاحب گاو با این ادعا که حیوان حمله‌ل شده است و گاوی که در حال زاییدن است فرار نمی‌کند این موضوع را نمی‌پذیرد. در نهایت حسن از شصت درد و ناراحتی زیاد، خودش را جای گاو می‌پندارد و روزهایش را با خوردن علوفه و یونجه سپری می‌کند. در این بین تلاش ریش‌سفیدان و افراد مسن روستا برای رهاکردن حسن از این مسخ مقدسی که از آیه‌های قرآن هم به او داده می‌شود اثر نمی‌کند. در نهایت کدخدا تصمیم می‌گیرد حسن را به شهر ببرد.

«**هذات پنداری**» **مهرجویی**

تصور اینکه این داستان ساده و اسودر می‌تواند ماحصل اتفاقی مادی باشد تصویری سطحی و گذراست، چون داریوش مهرجویی که در سال ۱۹۶۹ دومین اثر بلندش را کارگردانی کرد یک میکروکوسم (هذات‌پنداری) بین حسن و گاوش به وجود آورد. این کارگردان جوان (آن زمان ۳۰ساله) سناریو را به‌همراه غلامحسین ساعدی نوشت. آنها باوجود خشم و غضب دربار و سانسوری که توسط رژیم شاه‌اعمال شده بود، روستایی تخیلی ساختند که در آن نه خبری از برق بود و نه ماشین‌آلاتی در آن وجود داشت. درواقع اگر بین ساخت فیلم و نمایش

درخشش ایرانی‌ها در جشنواره «اربیل»

شرق: نخستین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «اربیل» در حالی به پایان رسید که شش‌جایزه اصلی آن را فیلمسازان و هنرمندان ایرانی از آن خود کردند. در این دوره از جشنواره که با ریاست داوران هفتمینه میلایی برگزار شد جایزه بهترین کارگردان را پیمان معادی و بهترین بازیگر زن را مهناز افشار برای برف روی کاج‌ها بردند. بهترین فیلم نیز به سالم صلاتی از ایران برای آخرین زمستان رسید. جایزه ویژه هیات داوران به روح‌الله جحازی کارگردان زندگی خاتم و آقای محمودی؛ از ایران اهدا شد.

جایزه بهترین فیلمبرداری را فیلم «سرد» از ترکیه برد و جایزه بهترین بازیگر به مرد فیلم «مثلث مرگ»

نخستین سالانه «ورسوس» افتتاح شد

شرق: نخستین سالانه هنرهای تجسمی «ورسوس» که با پشتیبانی شرکت‌عالی‌فردینیاگذاری‌شده،درهفت‌گالری خانه هنرمندان ایران برپا شد. به گزارش روابطعمومی نخستین سالانه هنرهای تجسمی «ورسوس»؛ این سالانه عصر جمعه ۱۶خرداد با حضور پروفسور کاظم کردوانی، هرمیداس یانوند، گیتی خوشدل، مانی حقیقی، سروش صحت، یگانه انگرانی، رازین فرهنگی فرانسه و برخی پرسنل سفارتخانه‌های خارجی در تهران و جمعی دیگر از هنرمندان شخاص هنرهای تجسمی، سینما و تئاتر در محل برگزاری این سالانه (خانه هنرمندان) افتتاح شد. بر اساس این گزارش این سالانه برای نخستین‌بار در ایران به‌منظور حمایت از هنرمندان جوان و هنر معاصر ایران برگزار می‌شود. لازم به ذکر است؛ دو هزار

عکاس ایرانی در افغانستان مجروح شد

شرق: مجید سعیدی، عکاس خبری ایرانی در جریان حمله انتحاری به کمپین انتخاباتی دکتر عبدالله از ناحیه سر مجروح شد. این عکاس ایرانی که برای پوشش خبری مردم دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان به این کشور رفته است در جریان حمله انتحاری روز جمعه به این کمپین انتخاباتی از ناحیه سر مجروح و به بیمارستان منتقل شد. این انفجار حوالی ظهر جمعه در حومه شمال‌غربی کابل، پایتخت، در حالی رخ داد که

مراسم انتخاباتی گروه اصلاحات و همگرایی در سالن آریانی کابل در جریان بود. در این حادثه خودرو حامل دکتر عبدالله به‌طور کامل منهدم شد و کسانی که در اطراف این مراسم بودند زخمی شدند. حال سعیدی بعد از مداوا در بیمارستان بهتر و بر

هنر

پس از ۴۵ سال اتفاق افتاد

«پاریس» «میزبان» «گاو»



محتدای از فیلم گاو

شرق: فیلم گاو برای دوستداران سینمای ایران، نامی آشنا است؛ یکی از سه فیلم آغازکننده موج نوی سینمای ایران ساخته داریوش مهرجویی بر اساس نوشته‌ای از غلامحسین ساعدی. حالا پس از چهل‌وچند سال این فیلم درست در چند قدمی گور خالق داستانش در خیابان شامپولیون پاریس و در سینما رفله به پرده رفته. نمایش نسخه تصحیح‌شده گاو در پاریس که با حمایت بنیاد سینمای فارابی انجام شده، یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی است که در چند سال گذشته رخ داده است. این فیلم بعد «رگبار» بهرام بیضایی دومین فیلم تاریخ سینمای ایران است که بازسازی و بازیابی می‌شود و به پرده می‌رود. مهرجویی این فیلم را در سال ۱۳۴۸ بر اساس نمایش گاو جلو دوربین برد. نمایش شش سال ۴۷ بر اساس بخشی از نمایش عزاداران بیل نوشته غلامحسین ساعدی به کارگردانی جعفر والی به صحنه رفته بود. والی در گفت‌وگو

دیگری هم برای به‌نمایش کشیدن بحران دیوانگی مجعی در این روستا وجود دارد. برای اثبات این ادعا می‌توان به صحنه‌ای اشاره کرد که سارقان برای درزدیدن گوسفند و مرغ به روستا می‌آیند. **سیاهوسفید خارق‌العاده** این دنیای آشنا و بیگانه در سیاهوسفیدی خارق‌العاده فیلمبرداری (فیلمبردار فریدون فانیلو است) شده است و میزانشن آن هم وام‌گرفته از سینمای شوروی سابق است که در آن برهه رایج بوده است. سایه سارقاتی که در افق از یکدیگر جدا می‌شوند هم دنیای وسترن ایتالیا را به تصویر می‌کشد. به این مورد باید اشاره کرد ابعاد استعاری و تشبیهی داستان تا حدودی از این فیلم محافظت کرده است وگرنه تماشای «گاو» به دلیل یاس و ناامیدی زیادی

شنبه • ۱۷ خرداد ۱۳۹۳

چهاره روز

امروز طی مراسمی انجام می‌شود

خاکسپاری «سیحون» در لس آنجلس

● **شرق:** با وجود علاقه هوشنگ سیحون برای دفن در ایران پیکر این معمار شناخته‌شده ایرانی امروز در لس آنجلس به خاک سپرده می‌شود. هوشنگ سیحون روز چهارم خرداد در ۹۴سالگی در خانه‌اش در ونکوور کانادا در گذشت. اما پیکر او به لس آنجلس و قبرستان فورست لاون منتقل شد و امروز در این شهر به خاک سپرده می‌شود. او در سی‌وچند سال گذشته در اروپا و آمریکا ساکن بود و در نهایت نیز در کانادا مستقر شد. قرار است مراسم یادبود او نیز ۱۵ ژوئن در دانشگاه لس آنجلس برگزار شود. هوشنگ سیحون معمار، طراح، نقاش و مجسمه‌ساز سرشناس و نامدار اهل



ایران بود. وی استاد معماری و رییس سابق دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. سیحون نوه دختری میرزاعبدالله‌خان فراهانی موسیقیدان سرشناس ایرانی بود که بر خلاف سنت خانوادگی به سمت معماری رفت و در این رشته در دانشسرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) طی حدود سه‌سال تحت تعلیم اوتلو زاورونی در سال ۱۹۴۹ به درجه دکتری هنر رسید. او در بازگشت به ایران در ۲۳سالگی نخستین اثر معماری خود که بنای یادبودی بر آرامگاه بوعلی سینا بوده است را طراحی می‌کند. سیحون در طول سال‌های فعالیت خود عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورایعالی شهرسازی، شورای مرکزی تمام دانشگاه‌های ایرانی و کمیته بین‌المللی ایکوموس (Icomos، وابسته به یونسکو در پیش از انقلاب) بوده و به مدت ۱۵سال مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته است. او همچنین طراحی ساختمان بانک سپه در میدان امام خمینی (ره) تهران و ساختمان‌های سازمان نقشه‌برداری کل کشور، کارخانه نخریسی کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی یاغچی‌آباد، سینما آسیا، سینما سالترال، کارخانه کنسآدادرای (زمزم فعلی) در تهران و اهواز، کارخانه یخ‌سازی کوروس اخوان و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را بر عهده داشته است.

IEON
Since 1960



آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو

تلفن : ۸۸۹۳۰۳۶۳-۸۸۹۰۴۶۲۵



نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)

قبل از دوراهی دزاشیب

تلفن : ۲۲۷۲۴۶۰۰-۲۲۷۲۴۲۰۰



صبحانه متفاوت در سام ستر

فرشته: سام ستر- طبقه ۸

تلفن : ۲۲۴۵۳۸۴۱

www.leon1960.com